

تحلیل زبان‌شناختی داستان‌های اساطیری شاهنامه در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

شهرزاد بهمنی^{۱*}، ایوب مرادی^۲، علی اصغر شهرباری^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۵

دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۳

Linguistic Analysis of Mythological Stories of Shahnameh in Fairclough's Critical Discourse Analysis Framework

Shahrzad Bahmani^{1*}, Ayoob Moradi², Aliasghar Shahryari³

1. Ph.D. Candidate of Persian Language and Literature, Payame Noor University

2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University

3. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University

Received: 2018/10/18

Accepted: 2019/07/19

Abstract

Linguistic analysis is part of discourse analysis methods to identify linguistic features that are described at the micro level. The purpose of the present study is to decode the formal and linguistic characteristics of mythological discourse of Ferdowsi's Shahnameh based on Fairclough's theoretical framework. According to linguistic studies, the organization of vocabulary in the interaction with the speaker's knowledge is presented in three intermittent periods: the role of language on the structure of the discourse-producing worldview of ideology and the role of the first man, the expressive values of vocabulary, and the social relations of the identities of the text, and the coherent design to the formation of discourse and stories. On the basis of lexical variables, the third period is in the highest number of types of semantic relations in the center of the repetition of the ideological mythology. The grammatical features in the tables show the role of the thinkers, the interlocutors, and the expression of language in the selection of the names of characters and the formation of the epic genre of discourse. The quoting styles of indirect quotation in reporting information shows the source of the speaker's authority and the social constructivism of the text in interacting with the racial basis. Also, pronoun references are the most coherent factor in linguistic transcription in the production of statements with the reference of old identities (known).

Keywords: Fairclough, Shahnameh, Mythology, Discourse, Discourse analysis.

چکیده

تحلیل زبان‌شناختی بخشی از روش‌های تحلیل گفتمان برای شناخت ویژگی‌های زبانی است که در سطح خرد توصیف می‌شود. هدف پژوهش حاضر، رمزگشایی خصوصیات صوری و زبانی گفتمان اساطیری در شاهنامه فردوسی در چارچوب نظری فرکلاف است. بر اساس مطالعات زبانی، سازمان‌دهی واژگان در سه دوره متناوب، با پیش‌دانسته‌های گوینده مرتبط است که نقش زبان را بر ساختار جهان‌بینی تولیدکننده گفتمان از ایدئولوژی و نقش نخستین انسان، ارزش‌های بیانی واژگان و روابط اجتماعی هویت‌های متن‌بازنمایی می‌کنند و طرحی منسجم به شکل‌گیری گفتمان و داستان‌ها می‌بخشند. بر مبنای متغیرهای واژگانی، دوره سوم به لحاظ بیشترین کمیت انواع روابط معنایی، در کانون تکرار بن‌مایه ایدئولوژیک اساطیری قرار دارد. مشخصه‌های دستوری مندرج در جدول‌ها، نقش اندیشگانی، رابطه‌ای و بیانی زبان را درگزینش نام شخصیت‌ها و شکل‌دهی به ژانر حماسی گفتمان می‌نمایاند. سبک نقل قول آزاد غیرمستقیم در شیوه گزارش اطلاعات، منبع اقتدار گوینده و ساخت‌مندی اجتماعی متن را در تعامل با زمینه نژادی مشترک نشان می‌دهد. همچنین، ضمائر ارجاع منسجم‌ترین عامل پیوند زبانی در ساخت گزاره‌های خبری با مرجع هویت‌های کهنه (شناخته‌شده) محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: فرکلاف، شاهنامه، اساطیر، گفتمان، تحلیل گفتمان.

*Corresponding Author: Shahrzad Bahmani

Email: shahrzadbahmani28@yahoo.com

* نویسنده مسئول: شهرزاد بهمنی

مقدمه

هلیدی بر این باور است که «زبان سه فرانش یا کارکرد اندیشگانی، بینافردی و متنی به عهده دارد. کارکرد اندیشگانی جهان‌بینی گوینده را منتقل می‌کند، یعنی تجربه را انتظام می‌دهد؛ کارکرد بینافردی به معاشرت ارتباطی گوینده با دیگران مربوط است، یعنی روابط فردی و گروهی را برقرار می‌کند؛ کارکرد متنی به جامعیت و شکل واحد ارتباطی در زمینه موقعیتی آن مربوط است» (فالر، ۱۳۸۱: ۸۴).

جهت فهم و سهولت استفاده از فرانش‌های سه‌گانه فوق، مطابق چارچوب نظری فرکلاف ده پرسش در ارتباط با واژگان و دستور زبان یک متن خاص به این شرح مطرح می‌شود: (الف) در سطح واژگان: ۱. کلمات واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ (در طبقه‌بندی آن‌ها از کدام طرح‌ها استفاده شده است؟ آیا می‌توان از عبارت‌بندی دگرسان یا عبارت‌بندی افراطی سخن گفت؟ چه نوع روابط معنایی (هم‌معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی) به لحاظ ایدئولوژیک معنادار بین کلمات وجود دارد؟) ۲. کلمات واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ ۳. کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟ ۴. در کلمات از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟ (ب) دستور: ۵. ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ (چه نوع فرایندها و مشارکینی مسلط هستند؟ آیا کنش‌گری نامشخص است؟ جملات معلوم هستند یا مجهول؟ جملات مثبت هستند یا منفی؟) ۶. ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ (از کدام وجه‌ها (خبری، پرسشی دستوری، امری) استفاده شده است؟ آیا ویژگی‌های مهم وجهیت رابطه‌ای وجود دارند؟) ۷. ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟ (آیا ویژگی‌های مهم وجهیت بیانی موجودند؟) ۸. جملات چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند؟ (از کدام کلمات ربط منطقی استفاده شده است؟ برای ارجاع به داخل و بیرون متن از چه ابزارهایی استفاده شده است؟) (ج) ۹. از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟ ۱۰. متن واجد چه نوع ساخت‌های گسترده‌تری است؟

پرسش‌های مزبور (به جز پرسش شماره ۴) در طرح داستان‌های اساطیری شاهنامه مطرح می‌شود تا با بررسی آن‌ها ویژگی‌های صوری و زبانی متن مطابق با چارچوب نظری فرکلاف، که با نگرش زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی صورت می‌گیرد، مشخص شوند. ارائه تحلیلی روشمند با

تحلیل زبان‌شناختی روشی برای تحقیقات زبانی است که نشان می‌دهد متون چگونه از نظام‌های زبانی بهره می‌گیرند. از این روش به‌عنوان بخشی از روش‌های تحلیل گفتمان برای تحقیق در مطالعات فرهنگی و علوم اجتماعی استفاده می‌شود. به تعبیر دیگر، «گفتمان از پرکاربردترین و بحث‌انگیزترین اصطلاح‌های شاخه‌های گوناگون زبان‌شناسی است» (وردانک^۱، ۱۳۸۹: ۱۴۰). فرکلاف^۲ تحلیل زبان‌شناختی را در سطح خرد (توصیف) و به عنوان مقدمه‌ای برای ورود به بحث تحلیل گفتمان انتقادی مطرح می‌کند. از نظر او، تحلیل زبان‌شناختی «بر خصوصیات صوری از قبیل کلمات، دستور و انسجام جمله متمرکز می‌شود که باعث شکل‌گیری زبانی گفتمان‌ها و ژانرها می‌شوند» (یورگنسن و فیلیپس^۳، ۱۳۸۹: ۱۲۲). خصوصیات صوری بیان‌گر ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی‌اند که به ترتیب جهان‌بینی گوینده از جهان واقعی، روابط اجتماعی متن و هویت‌های اجتماعی را بازنمایی می‌کنند. فرکلاف این خصوصیات را به شکل جدول زیر نشان می‌دهد.

جدول ۱. ویژگی‌های صوری تحلیل متن (ر.ک. فرکلاف، ۱۳۷۹:

۱۷۱-۱۷۲)

ابعاد معنایی	ارزش‌های ویژگی‌ها	تأثیرات ساخت
محتواها	تجربی	اعتقادات
روابط	رابطه‌ای	روابط
فاعل‌ها	بیانی	هویت‌های اجتماعی

فرکلاف از دستور نقش‌گرای هلیدی^۴ به عنوان یک نظریه زبانی برای تحلیل ارزش‌های سه‌گانه فوق بهره می‌گیرد. زیرا «نقش‌گرایی هلیدی که اصطلاحاً به دستور نظام‌مند مشهور است، به نظام صوری زبان قائل است و آن را تابع و وابسته به نقش ارتباطی و کاربرد زبان می‌پندارد» (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۴۳).

1. P. Verdunk

2. N. Fairclough

«نورمن فرکلاف، استاد رشته‌ی «زبان در زندگی اجتماعی» در دانشگاه لانکستر، یکی از شخصیت‌های برجسته رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی است که در مقایسه با دیگر تحلیلگران انتقادی گفتمان، مدون‌ترین و جامع‌ترین نظریه را تدوین کرده است» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۳۳).

3. M. Jorgensen & L. Phillips

4. M. A. K. Halliday

سطح تبیین صورت می‌گیرد. در این مقاله، لایه اول، یعنی سطح توصیف با هدف ارتقای دانش زبانی و رمزگشایی ویژگی‌های صوری متن گفتمان حماسی شاهنامه برگزیده شده است. نوآوری تحقیق حاضر در بازنمایی گزینش‌های زبانی و طرح طبقه‌بندی واژگان بر مبنای الگوی ساختاری متن است.

شناخت زمینه‌های گفتمان

یکی از مباحث عمده در سازمان دادن و پردازش گفتمان به صورت متن و استخراج معنی از متن مبحث شناخت زمینه‌ای^۱ (اطلاعات قبلی) است. نویسنده در هنگام نوشتن با توجه به اطلاعات قبلی، نوشته خود را به شیوه خاصی عرضه می‌دارد. نحوه عرضه‌داشت مطلب، انتخاب قالب بیان مطلب، خلاصه یا گسترده بیان داشتن مطلب و بالاخره به کارگیری ساخت دستوری و واژگان خاص برای ارائه مطلب به عواملی چند از جمله، به کیفیت شناخت زمینه گفتمان بستگی دارد (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۳۰). شناخت پیش‌دانسته‌ها نه تنها امکانات زبانی تولیدکننده گفتمان را برای گفتن و نوشتن پدید می‌آورد، بلکه در روشن شدن چگونگی فهم متون نیز اهمیت بسیار بالایی دارد که لزوم پرداختن و آشنایی با آن، پیش از تحلیل زبانی متن، ضروری به نظر می‌رسد. با مطالعه کتاب‌های «مزدپرستی در ایران قدیم»^۲ تألیف آرتور کریستن سن و «سایه‌های شکارشده» نوشته بهمن سرکاراتی می‌توان گفت، گفتمان‌های زرتشتی به‌ویژه اسطوره آفرینش و اسطوره آخر زمان (سوشیانتی) پیش‌دانسته‌های گوینده برای سازمان‌دهی و پردازش گفتمان داستان‌های اساطیری بوده است.

«شالوده این جهان‌بینی بر اصل اعتقاد به دو بن متضاد خیر و شر که همواره در حال ستیزه و کارزارند، و اعتقاد به محدودیت زمانی ستیز گیهانی و کران‌مندی عمر جهان که در تعداد معینی از هزاره‌ها تعیین شده است، استوار است. تجلی این دو اصل مهم را در

رویکردی مطالعاتی، جهت شناخت پیش‌دانسته‌های زبانی در نحوه شکل‌دهی به طرح گفتمان، آگاهی از نقش فعال زبان در ساختار تجربی، بیانی و روابط اجتماعی هویت‌های متن، همچنین شناخت نقش دستوری واژگان در ساخت‌مندی سبک گفتمان، از جمله دلایلی است که بر ضرورت و اهمیت پژوهش تأکید می‌کنند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زبان‌شناختی بسیاری پیرامون نظریه گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی نگاشته شده است. از جمله کتاب «قدرت، گفتمان و زبان» اثر علی‌اصغر سلطانی (۱۳۸۴)، «تحلیل گفتمان انتقادی» (۱۳۸۵) و مقاله «توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی» (۱۳۹۱) اثر فردوس آقاگل‌زاده را می‌توان نام برد. در باب تحلیل زبان‌شناختی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، در متن اساطیری شاهنامه تا کنون هیچ تحقیقی صورت نگرفته است؛ اما درباره پیشینه پژوهشی مرتبط با موضوع، می‌توان به «تحلیل گفتمان در شاهنامه با تأکید بر انسجام متن» اثر مهربان و پورنامداریان (۱۳۹۰)، «زبان‌شناسی هنری و اشتقاق عامیانه در شاهنامه»، اثر محمدی افشار و همکاران (۱۳۸۵)، «استعاره‌های هستی‌شناختی در شاهنامه فردوسی از دیدگاه زبان‌شناختی»، اثر سراج و محمودی بختیاری (۱۳۹۷) و نیز «بررسی گفتمان‌روایی در شاهنامه» اثر حیدری و علامی (۱۳۹۶) اشاره کرد.

چارچوب نظری

فرکلاف تحلیل گفتمان را چنین تعریف می‌کند: «من گفتمان را مجموعه به‌هم‌تافته‌ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن می‌دانم، و تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هر یک از این سه بُعد و روابط میان آن‌ها را طلب می‌کند. فرضیه ما این است که پیوندی معنادار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر می‌شوند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۸-۹۷). مطابق این تعریف، چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف سه لایه دارد: لایه اول بر تحلیل متن متمرکز است که در سطح توصیف مطرح می‌شود؛ لایه دوم عمل گفتمانی که در سطح تفسیر بررسی می‌شود و لایه سوم عمل اجتماعی است که در

1. Background knowledge

۲. مرحوم آرتور کریستن سن از ایران‌شناسان پرکاری است که قسمتی از آثار او به فارسی ترجمه شده‌اند. کتاب مزدپرستی در ایران قدیم او مجموعه‌ایست از دو مقاله، که نخستین را به نام «ملاحظات درباره قدیمی‌ترین عهد زرتشتی در مجله Acta orientalia منتشر کرده و دومین را به نام «تحقیقات درباره کیش زرتشتی ایران باستان» در سال ۱۹۲۸ در کپنهاگ انتشار داده است.

جمشید، همچنان که کریستن سن در کتاب محققانه خود به نام «نمونه‌های نخستین مرد و نخستین شاه در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان» نشان داده، همگی نمونه‌های مختلف مرد نخستین در میان قبایل مختلف ایرانی‌اند و در واقع گونه‌های چهارگانه یک بوده اساطیری واحد محسوب می‌شوند که در تاریخ افسانه‌ای ایران به صورت چهار شهریار که یکی پس از دیگری پادشاهی می‌کنند، درآمده‌اند. دوران دوم در حماسه ملی ایران مصادف است با دوران هزارساله پادشاهی ضحاک ماردوش. مطابق روایات دینی پس از حمله اهریمن به دام و دهشن اهرمز و چیرگی او بر گیتی آفرینش اهورایی به دفاع برخاسته و هریک از عناصر گیتی از آب و آتش گرفته تا آسمان و زمین و گیاه با سپاه دیوانه اهریمن به ستیزه پرداخته و ایزد بهرام اهریمن را گرفتار می‌کنند. در شاهنامه نیز، چون هزاره اژدهاک به پایان می‌رسد ویسپوهر خاندان توانای آبتین، یعنی فریدون، که چون Trita ودایی نمونه کامل پهلوانان اژدهاوارژن و به احتمال زیاد تجسم حماسی ایزد بهرام^۲ است، ظهور کرده و بر ضحاک چیره می‌شود. دوران سه‌هزارساله فرجامین مطابق روایات زروانی عصراختلاط و آمیختگی خیر و شر است که در طول آن آفرینش اهورایی با نیروهای اهریمنی به جدال می‌پردازند و در پایان با آمدن سوشیانت و شاه بوختار پیکار نهایی درمی‌گیرد و به نابودی همیشگی اهریمن می‌انجامد. دوران گمیزش در حماسه ملی ایران نیز هزار سال طول می‌کشد. این هزاره از پادشاهی فریدون آغاز شده و در پادشاهی کیخسرو پایان می‌پذیرد و سرشت مختلط آن از همان آغاز با تقسیم جهان بین سلم و تور از یکسو و ایرج از سوی دیگر مشخص شده است و در سرتاسر این دوره بر نیمی از جهان تورانیان دژچهر و دشمن چیره‌اند و بر نیمی دیگر ایرانیان آزاده و راد. جنگ بین ایران و انیران از آغاز این دوران تا پایانش تقریباً مداوم و وقفه‌ناپذیر است» (ر.ک. سرکاراتی، ۱۳۵۷: ۳۷-۵۴ و کریستن سن، ۱۳۴۵: ۱۰۵).

طرح طبقه‌بندی واژگانمن

رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به نظر فرکلاف، طرح‌های طبقه‌بندی از جمله گفتمان‌هایی هستند که بر اساس آن‌ها

ایدئولوژی دینی ایرانی به صورت اعتقاد به ثنویت و سال بزرگ کیهانی مرکب از چندین هزار سال مشاهده می‌کنیم. تقابل و ستیزه دو بن قدیم خیر و شر در حماسه ملی ایران به صورت تقابل و تضاد دو گروه نژادی متخاصم تظاهر کرده که از آن دو روایت حماسی اوستا به نام‌های «ایرانی و انیرانی»^۱ و در شاهنامه با عناوین «ایرانی و تورانی» یاد شده است. در حماسه ایران همچنان که همه اقوام ایرانی در درون مرزهای ایرانشهر و در چهارچوب خوی و منش و نژاد ایرانی یگانه شده‌اند، دشمنان ایران نیز به صورت قومی بیگانه که تورانیان نام دارند و دیگر انیرانیان نیز اغلب متحد آن‌هاست معرفی شده‌اند. خصوصیت دیرین و موروثی و ستیزه و دشمنانگی مداوم بین این دو قوم در واقع زمینه اصلی حماسه ملی ایران محسوب می‌شود. سرتاسر شاهنامه داستان رویارویی و برخورد ایرانیان و انیرانیان است که مطابق برداشت ثنوی، از این دو یکی همه نیک و خجسته و اهورایی، و دیگری نکوهیده و تباه و اهریمنی قلمداد شده است. دشمنی و جنگ همیشگی بین این دو گروه نژادی متخاصم در شاهنامه، انعکاسی حماسی از ستیزه و کارزار مداوم نیک و بدی در اساطیر دینی و همچنان که مطابق برداشت دینی فیروزی نهایی در پایان از آن اهورامزداست، در شاهنامه نیز جنگ بزرگ ایران و توران در نهایت به فیروزی شهریار ایران، یعنی کیخسرو می‌انجامد. و نیز مطابق همان معتقدات مدت پیکار خیر و شر که در واقع طول عمر گیتی نیز هست به صورت محدوده زمانی مقدری انگاشته شده که در برخی روایات (زروانی) نه و در برخی دیگر (روایات مزدایی) دوازده هزار سال احتساب شده است. این دهر دراز نه‌هزارساله به سه دوران سه‌هزارساله تقسیم شده است. دوران اول زمان شهریاری سه‌هزارساله اهرمزد است که ضمن آن به آفرینش گیتی می‌پردازد و در این دوران مرد نخستین و گاو یکتا آفریده و دیگر دام و دهشن اهورایی فارغ از پتیاره اهریمن در رامش و آشتی می‌زیند. این عصر خجسته اهورایی در حماسه ملی ایران منطبق است با هزار سال سلطنت پیشدادی که از کیومرث آغاز شده و به جمشید می‌انجامد. چهار پادشاهی که در این هزاره سلطنت می‌کنند، یعنی کیومرث و هوشنگ و تهمورث و

مشاهده است.

جدول ۲. ویژگی‌های صوری طرح طبقه‌بندی واژگان

واژگان	ارزش‌ها	ابعاد معنایی	اثرات ساخت
هزاره اول	تجربی	نقش نخستین انسان	شکل‌گیری تمدن
هزاره دوم	بیانی	ارزش‌گذاری زبانی	ارزشیابی
هزاره سوم	رابطه‌ای	بازنمایی بن‌مایه ایدئولوژیک	رابطه اجتماعی هویت‌ها

فرکلاف معتقد است که رویکرد متناوب به متن و نوع گفتمان در مورد روابط معنایی بین واژگان نیز مصداق دارد، چرا که روابط معنایی ایجاد شده در یک نوع گفتمان، به ایدئولوژی خاصی مرتبط است که شناسایی آن‌ها به بازنمایی شالوده ایدئولوژیکی متن کمک می‌کند (ر.ک، فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۷). اینک با در نظر گرفتن این رویکرد، به شناسایی انواع روابط معنایی متن گفتمان حماسی به شرح زیر پرداخته می‌شود.

تضاد معنایی

تضاد معنایی یکی از انواع روابط معنایی است که در معنی‌شناسی، اصطلاح تقابل معنایی به جای آن به کار می‌رود، زیرا تضاد صرفاً گونه‌ای از تقابل به حساب می‌آید و در بیشتر موارد، با برچسب «واژه‌های متضاد» نظیر بالا/پایین، چپ/راست مشخص می‌شود؛ به این دلیل که مفهوم یکی از این واژه‌ها در نقطه مقابل مفهوم واژه دیگر قرار می‌گیرد (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۱۸-۱۱۷). تضاد و تقابل واژگان متن شاهنامه، چنان‌که پیشتر اشاره شد (در شناخت زمینه گفتمان)، از ثنویت بن‌مایه ایدئولوژیک آن الهام می‌گیرد. بررسی ۲۰ مورد از واژگان متضاد متن نشان می‌دهد طرح طبقه‌بندی هزاره اول کمترین کمیت با ۱۰ مورد، هزاره دوم با ۳۳ مورد و هزاره پایانی با بیشترین بسامد ۲۱۷ مورد ثنویت موجود در بن‌مایه اساطیری حماسه ملی را بازنمایی می‌کند.

شمول معنایی

شمول معنایی نیز از دیگر روابط معنایی موجود در متن است که رابطه کل و جزء، یا طبقه خاص و عام، و یا به‌طور کلی واژه‌هایی که مفهوم آن‌ها در بطن کلمات دیگر جای دارد، را نشان می‌دهد. برشماری زیرمجموعه‌ها و انواع ابزار جنگی، زیورآلات، نام پهلوانان، سپاهیان، پرندگان، شهرها و ... از نمونه‌های این رابطه معنایی‌اند که با ژانر و نوع خاص گفتمان حماسی متن هم‌خوانی دارند. با بررسی ۵۵ مورد، طرح طبقه‌بندی هزاره اول کمترین کمیت با ۱۰ مورد، هزاره

واژگان به صورت متناوب میان خود متن و نوع گفتمان سازمان می‌یابد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۵). این جنبه از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در مورد واژگان متن شاهنامه که بر حسب طرح سال بزرگ کیهانی طبقه‌بندی می‌شوند، مصداق معناداری می‌یابد. مطابق این طرح، چنان‌که گذشت، نخستین هزاره سال بزرگ کیهانی، دوره پیشدادیان را دربرمی‌گیرد. واژگان این دوره بازنمایی صورت‌بندی‌های مختلف تجربه تولیدکننده متناوب ایدئولوژی نخستین انسان است. «ویژگی ایدئولوژیک انسان نخستین، نقشی است که در شکل‌گیری تمدن بشری داشته و روایات اساطیری بسیاری وجود دارد که در تحلیل شکل‌گیری پدیده‌های مهم، این رخدادها را به انسان نخستین نسبت می‌دهد. الگوی نیای فرهنگی قوم (انسان تمدن‌ساز) که در انسان‌شناسی و تاریخ تمدن از او به «قهرمان فرهنگی» تعبیر می‌شود، در این بخش از روایات اساطیری شکل می‌گیرد» (قائمی، ۱۳۹۱: ۴۸).

واژگان دوره دوم، همزمان با ارزش تجربی، نوعی از نظام ارزشیابی تولیدکننده گفتمان را نشان می‌دهند. با این فرض که طرح‌های طبقه‌بندی با صورت‌بندی‌های واژگانی مختلف می‌تواند نوعی ارزش‌گذاری مثبت و منفی را برای خواننده پدید آورد. از این‌رو، «تفاوت ایدئولوژیک میان گفتمان‌ها به لحاظ ارزش‌های بیانی کلمات معنا پیدا می‌کند. گوینده از طریق طرح‌های طبقه‌بندی به بیان ارزشیابی‌های خود می‌پردازد. طرح‌های به لحاظ ایدئولوژیک متضاد ارزش‌های بیانی متفاوتی را در گفتمان‌های مختلف مجسم می‌سازند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۲). واژگان دوره سوم، علاوه بر نقش ایدئولوژیک و بیانی، رابطه اجتماعی بین هویت‌های متن را بازنمایی می‌کنند. از این دیدگاه که «عملکردهای زبانی بر حسب روانی، کارایی و تأثیر اجتماعی تنها از طریق نقش ارتباطی ارزیابی می‌شوند. در هر دو مورد، طرح طبقه‌بندی، روش خاصی برای تقسیم‌بندی جنبه‌ای از واقعیت است که بر بازنمایی ایدئولوژیک خاص آن واقعیت مبتنی است؛ بدین ترتیب ساختار واژگان ایدئولوژی‌بنیاد است» (فرکلاف، ۲۰۰۱: ۹۶). بر پایه این طرح اهورامزدا و اهریمن جنبه خاص واقعیت در بن‌مایه ایدئولوژیک اساطیر هستند که صفات آن‌ها در شخصیت جمشید و ضحاک بازنمایی می‌گردد و فریدون، افراسیاب و کیخسرو، بازنمود همین جنبه خاص واقعیت تلقی می‌شوند. در جدول زیر ویژگی‌های زبانی طرح طبقه‌بندی واژگان هر دوره قابل

دوم با ۱۱ مورد و هزاره پایانی با ۳۴ مورد بیشترین بسامد کاربرد شمول معنایی واژگان را نشان می‌دهد.

هم‌معنایی

هم‌معنایی یا ترادف از شناخته‌شده‌ترین روابط مفهومی میان واژه‌هاست که اگر به جای یکدیگر به کار روند، در معنی زنجیره گفتار تغییری حاصل نمی‌شود (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۰۶). مصادیق موجود این نوع از رابطه معنایی در متن، القای بیشتر معانی ایدئولوژیک از جانب تولیدکننده گفتمان را بازنمایی می‌کنند. با بررسی ۱۰۰ مورد طرح طبقه‌بندی مشخص شد که هزاره اول کمترین تعداد با ۷ مورد، هزاره دوم با ۱۱ مورد و هزاره پایانی با ۷۲ مورد بالاترین بسامد واژگان هم‌معنا را نشان می‌دهد.

جدول ۳. فراوانی روابط معنایی واژگان متن

طرح طبقه‌بندی	تضاد معنایی	شمول معنایی	هم‌معنایی
هزاره اول	۳/۸۴	۱۸/۱۸	۷٪
هزاره دوم	۱۲/۶۹	۲۰٪	۱۱٪
هزاره سوم	۸۳/۴۶	۶۱٪	۷۲٪

چنان که در جدول مشخص شده است، از میان روابط معنایی موجود در متن، تضاد معنایی بالاترین بسامد و از بین طرح‌های طبقه‌بندی، هزاره سوم، بیشترین کمیت روابط معنایی را در گفتمان حماسی شاهنامه بازنمایی می‌کنند. متغیرهای واژگانی نشان می‌دهد که «طرح‌های طبقه‌بندی در انواع گفتمان‌ها ممکن است به لحاظ کمی متفاوت باشند. بدین مفهوم که جنبه‌های خاص واقعیت را به درجات مختلف در قالب کلمات عرضه کنند ممکن است نشان‌گر این باشد این‌جا کانون مبارزه‌ای ایدئولوژیک است» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۶). بنابراین، فراوانی واژگان هزاره سوم که تکرار سال‌کیهانی دیگری محسوب می‌شود، کانون بازنمود بن‌مایه ایدئولوژیک اساطیری در هویت‌های مختلف قرار می‌گیرد.

تحلیل ویژگی‌های دستوری متن

پس از آشنایی مقدماتی با زمینه گفتمان و نحوه سازماندهی واژگان در طرح‌های طبقه‌بندی، اینک به تحلیل شخصیت‌ها و فرایندها به شیوه نام‌دهی و گذرایی^۱ پرداخته می‌شود. نام‌دهی، شیوه‌ای از بازنمایی که مبین نگرش خاص گوینده است. چه «انتخاب و کاربرد نام برای افراد، اشیاء و فعالیت‌ها

منعکس‌کننده دیدگاه خاصی است که می‌تواند بار منفی یا مثبت داشته باشد» (پارمحمدی، بی‌تا: ۱۷۴). نظام گذرایی بازنمایی انواع فرایندها از طریق دستور زبان است. به عقیده هلیدی، «این دو در حقیقت تفاوتی با یکدیگر ندارند. واژگان ... دستور زبانی با ظرافت بیش‌تر است. بر این اساس می‌توان گفت معنای عام‌تر از رهگذر دستور زبان بیان می‌شوند و معنای خاص‌تر از رهگذر واژگان (مهاجر و نبوی، ۱۳۸۶: ۳۸). مطابق چارچوب نظری فرکلاف، سه جمله خبری با سه نوع فرایند وجود دارد که هر یک مستلزم یک یا دو مشارک (شرکت‌کننده) می‌باشند. فرایند کنش دو مشارک کنش‌گر و کنش‌پذیر دارد که گاهی کنش‌گر جهت اجتناب از حشو و یا به نیت ابهام نامشخص و فاقد کنش‌گر است. فرایند رخداد بیان‌گر نوع خاصی از کنش‌های بدون کنش‌پذیر یا کنش فاقد هدف است؛ و فرایند توصیف مستلزم وجود یک مشارک و صفت است. هر یک از این جملات سه وجه خبری، پرسشی و امری جهت برقراری ارتباط میان گوینده و مخاطب دارند و از طریق عوامل انسجام^۲ دستوری مانند پیوندهای واژگانی، پیوندهای ربطی که نشان‌گر روابط شرطی، علی، زمانی و مکانی بین جملات‌اند و نیز پیوندهای ارجاعی که به جمله‌های قبلی ارجاع می‌دهند پیوند داده می‌شوند.

کیومرث

کیومرث معرب گیهم‌رتن اوستا، به معنی زنده گویا و با لقب گل‌شاه (= کوه شاه) توصیف می‌شود (ر.ک. بهار، ۱۳۶۲: ۱۵۱). وی در حوزه گفتمان حماسی شاهنامه، در ۱۵ فرایند کنش و توصیف حضور دارد. این فرایندها شخصیت ایدئولوژیک او را در نقش معنایی مشارکی کنش‌گر و فاعل بازنمایی می‌کنند. در ۳ فرایند کنش‌گری است که در کوه مسکن می‌گزیند و پایه‌های ابتدایی تمدن را به مردمان می‌آموزد و در ۱۲ فرایند فاعل توصیف‌هایی است که در تقابل با دیوان قرار می‌گیرد و پسرش (سیامک) به دست دیوان کشته می‌شود. همین رخداد تداوم ساخت رخداد‌های بعدی گفتمان حماسی را به وجود می‌آورد.

۲. انسجام مفهومی بیانگر روابط معنایی متن است (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۱۷۴) و زمانی به وجود می‌آید که تفسیر برخی عناصر در گفتمان، متکی به عناصر دیگر باشد. این عناصر پیش‌فرض عناصر دیگر هستند، بدان معنا که بدون ارجاع به آن عناصر نمی‌توان آنها را رمزگشایی کرد. هنگامی که این مسئله رخ می‌دهد، رابطه انسجامی به وجود می‌آید و دو عنصر مذکور، یعنی عنصر پیش‌فرض‌کننده و پیش‌فرض‌شده، به طور بالقوه در متن تلفیق می‌شوند (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴).

جدول ۴. فرایندهای مرتبط با کیومرث

ارزش‌گذاری	انسجام	مشارکان	فرایند
مثبت	ربط زمانی	(کنش‌گر محذوف)، کوه (کنش‌پذیر)	نخستین به کوه‌اندرون ساخت جای (خالقی مطلق، ۱۳۶۶: ج ۲۱/۱). کنش خبری معلوم
مثبت	ارجاعی	خود (کنش‌گر)، پلنگینه (کنش‌پذیر)	پلنگینه پوشید خود با گروه (همان) کنش خبری معلوم
مثبت	واژگانی	(کنش‌گر محذوف)، پری و پلنگ و پری (کنش‌پذیر)	پری و پلنگ انجمن کرد و شیر (همان: ۲۴) کنش خبری معلوم
مثبت	ارجاعی، ربط زمانی	او (فاعل)، کدخدای (متمم)	که خود چون شد او بر جهان کدخدای (همان: ۲۱) توصیف خبری
مثبت	ارجاعی	او (فاعل)، سی شاه (متمم)	گیتی بر او سی شاه بود (همان: ۲۲) توصیف خبری
مثبت	—	(فاعل محذوف)، برگاه (متمم)	به خوبی چو خورشید بر گاه بود (همان) توصیف خبری
مثبت	ارجاعی	او (فاعل)، فر‌شاهنشاهی (متمم)	همی تافت زو فر شاهنشاهی (همان) توصیف خبری
مثبت	ارجاعی، ربط علی	فر و بخت اوی (فاعل)، بر شد (متمم)	از آن بر شده فره و بخت اوی (همان) توصیف خبری
مثبت	ارجاعی	او (فاعل) پسر (متمم)	پسر بد مر او را یکی خو بروی (همان) توصیف خبری ملکی
مثبت	ارجاعی	دل کیومرث (فاعل)، زنده (متمم)	گیومرث را دل بدو زنده بود (همان) توصیف خبری
مثبت	ارجاعی	فاعل (محذوف)، شاد (متمم)	ز گیتی به دیدار او شاد بود (همان) توصیف خبری
مثبت	ارجاعی	فاعل (محذوف)، گریان (متمم)	به جانش براز مهر گریان بدی (همان) توصیف خبری
مثبت	ارجاعی	فاعل (محذوف)، بریان (متمم)	ز بیم جدایش بریان بدی (همان) توصیف خبری
مثبت	ربط زمانی	شاه (فاعل)، آگه (متمم)	چو آگه شد از مرگ فرزند شاه (همان: ۲۳) توصیف خبری
مثبت	ارجاعی	نیا (فاعل)، پسر (متمم)	نیایش به جای پسر داشتی (همان: ۲۴) توصیف ملکی

هوشنگ

پدرش سیامک، دوسوم دیوان را نابود می‌کند؛ سپس به وسیله تحولات حاصل از کشف آتش، موقعیت اقتصادی و وضع معیشت را در قالب ۲۰ فرایند بهبود می‌بخشد.

هوشنگ مخفف هوشنگه اوستا به معنی کسی که منزل‌های خوب می‌سازد و ملقب به پرذات به معنی نخستین قانون‌گذار یا نخستین مخلوق است (ر.ک. رضی، ۱۳۸۱: ۲۳۷۸). وی در فرایندهای شاهنامه کنش‌گری است که ابتدا به‌عنوان کینه‌خواه

جدول ۵. فرایندهای مرتبط با هوشنگ

ارزش‌گذاری	انسجام	مشارکان	فرایند	ردیف
مثبت	ارجاعی	کنش‌گر (محذوف)، سراپای (کنش‌پذیر)	کشیدش سراپای یکسر دوال (خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۲۵/۱) کنش خبری معلوم	۱
مثبت	ارجاعی	سپهبد (کنش‌گر)، سر (کنش‌پذیر)	سپهبد برید آن سر ناهمال (همان) کنش خبری معلوم	۲
مثبت	—	حذف کنش‌گر و کنش‌پذیر	به پای اندر افگند و بسپرد خوار (همان) کنش خبری معلوم	۳
مثبت	ارجاعی	ش (کنش‌گر)، چرم (کنش‌پذیر)	دریدش برو چرم (همان) کنش خبری معلوم	۴
مثبت	واژگانی	هوشنگ (کنش‌گر)، تاج (کنش‌پذیر)	جهاندار هوشنگ با رای و داد / بجای نیا تاج بر سر نهاد (همان: ۲۹) کنش خبری معلوم	۵
مثبت	ربط زمانی	کنش‌گر (محذوف)، جهان (کنش‌پذیر)	وزان پس جهان را یکسر آباد کرد (همان) کنش خبری معلوم	۶
مثبت	ربط زمانی	کنش‌گر (محذوف)، سنگ (کنش‌پذیر)	به آتش ز آهن جدا کرد سنگ (همان) کنش خبری معلوم	۷

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش‌گذاری
۸	سَر مایه کرد آهن آبگون / کزان سنگ خارا کشیدش برون (همان) کنش خبری مرکب معلوم	کنش گر (محذوف)، آهن (کنش‌پذیر)	ارجاعی، ربطی	مثبت
۹	چو بشناخت آهنگری پیشه کرد (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، آهنگری (کنش‌پذیر)	ربط‌زمانی	مثبت
۱۰	گراز و تبر، اره و تیشه کرد (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، گراز و تبر، اره و تیشه (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۱۱	چاره آب ساخت (همان: ۳۰) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، آب (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۱۲	ز دریا به هامونش اندر بتافت (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، ش (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۳	به جوی و به کشت آب راه کرد (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، آب (کنش‌پذیر)	واژگانی	مثبت
۱۴	به فر کی رنج کوتاه کرد (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، رنج (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۱۵	چراگاه مردم بدین بر فزود (همان) کنش خبری معلوم	چراگاه (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۶	جدا کرد گاو و خر و گوسفند (همان) کنش خبری	کنش گر (محذوف)، گاو و... (کنش‌پذیر)	واژگانی	مثبت
۱۷	به ورز آورد آنچ بد سودمند (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، آنچ بد سودمند (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۸	بدیشان بورزید و زیشان چرید (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر و کنش‌پذیر (محذوف)	ارجاعی	مثبت
۱۹	همی تاج را خویشتن پرورید (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، تاج (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۲۰	بکشت و به سرشان بر آهیخت پوست (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر و کنش‌پذیر (محذوف)، پوست (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۲۱	برین گونه از چرم پویندگان / بپوشید بالای گویندگان (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، بالای گویندگان (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۲۲	گرانمایه را نام هوشنگ بود (همان: ۲۴) توصیف خبری	گرانمایه را نام (فاعل)، هوشنگ (متمم)	—	مثبت
۲۳	پر از هوش مغز و پر از داد دل (همان: ۲۹) توصیف خبری	فاعل (محذوف)، پر از هوش و پر از داد (متمم)	واژگانی	مثبت

تعمورث

کنش گر نیرومندی است که به دلیل غلبه کامل بر دیوان، در قطب منفی نیروهای شر قرار می‌گیرد و با صفت دیوبند از دیگر شخصیت‌ها ممتاز می‌شود. سپس در ۱۴ فرایند جامعه را وارد مرحله شهرنشینی می‌کند.

تخمه اروپه ازیناونت اوستایی به معنی یلی که پوستین رویاه بر تن دارد (کزازی، ۱۳۸۵: ۲۵۳)، در شاهنامه به تعمورث تبدیل شده و جزء اول آن تهم (= تخمه) ویژگی مثبت او را بازنمایی می‌نماید؛ چه وی در گفتمان حماسی شاهنامه

جدول ۶. فرایندهای مرتبط با تعمورث

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش‌گذاری
۱	گرانمایه طهمورث دیوبند (خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ج ۳۵/۱) توصیف‌خبری	طهمورث (فاعل)، دیوبند (متمم)	ارجاعی	مثبت
۲	پس از پشت میش و بره پشم و موی برید (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، پشم و موی (کنش‌پذیر)	ربط‌زمانی	مثبت
۳	به کوشش ازو کرد پوشش بجای (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، پوشش (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۴	خورش کردشان سبزه و کاه و جو (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، سبزه و کاه و جو (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش گذاری
۵	به چاره بیاوردش از دشت و کوه (همان: ۳۶) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، ش (کنش پذیر)	ارجاعی- واژگانی	مثبت
۶	بیاورد و آموختن شان گرفت (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، شان (کنش پذیر)	ارجاعی	مثبت
۷	بیاورد و یکسر به مردم کشید (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر و کنش پذیر (محذوف)	—	مثبت
۸	برفت اهرمن را به افسون بیست چو بر تیز رو بارگی برنشست (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، اهرمن (کنش پذیر)	ربط زمانی	مثبت
۹	زمان تا زمان زینش بر ساختی (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، زینش (کنش پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۰	همی گردگیتیش بر تاختی (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (حذف)، ش (کنش پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۱	به فر جهاندار بستش میان (همان: ۳۷) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، میان (کنش پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۲	به گردن بر آورد گرز گران (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، گرز (کنش پذیر)	—	مثبت
۱۳	جهاندار طهمورث بافرین / بیامد کمر بسته رزم و کین (همان) کنش خبری معلوم	جهاندار طهمورث (کنش گر)، فاقد (کنش پذیر)	واژگانی	مثبت
۱۴	ازیشان دو بهره به افسون بیست (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، ازیشان دو بهره (کنش پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۵	دگرشان به گرز گران کرد (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، دگرشان (کنش پذیر)	ارجاعی	مثبت

جمشید

اجتماعی نظام یافته گفتمان حماسی در شاهنامه می‌نماید. او همچنین فاعل ۶ توصیف منفی است که موجب می‌شود در اوج قدرت با شکست روبه‌رو شود و جای خود را به سیاهی و تاریکی که در شخصیت ضحاک بازنمایی می‌گردد، دهد. آنچه جمشید را از اوج ارزش‌ها به زیر می‌آورد و به شخصیتی منفی تبدیل می‌کند، تغییر حالت و کژاندیشی اوست. وی که بر اثر تسلط دیو کبر مرتکب خطا می‌شود و خود را ولی نعمت مردم معرفی می‌نماید، فره ایزدی از او می‌گریزد و از شاه - موبدی سقوط می‌کند.

جمشید در اوستا «بیمه خشت» با معنای روشن و درخشان؛ نخستین مشارکی است که اهورامزدا دین خود را به او می‌سپارد و به لقب خوب رمه و خورشیدسان (ر.ک.رضی، ۱۳۴۶: ۱۴۸۹) توصیف می‌گردد. در پیوند با این ماهیت اساطیری، در گفتمان حماسی شاهنامه در نقش معنایی شاه - موبد کنش‌های سه‌گانه ایزد مهر را از قبیل «جنگاوری، و سرپرستی امور دینی و سیاسی» (ر.ک.بهمنی، ۱۳۸۹: ۵۴) بازنمایی می‌کند. صلح، رفاه، آسودگی، نشاط، وفور نعمت و ... ویژگی‌های مثبتی است که در نتیجه ۲۰ کنش جمشید را برترین نماینده قدرت با سرزمینی متمدن در چارچوب طبقات

جدول ۷. فرایندهای مرتبط با جمشید

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش گذاری
۱	به فر کبی نرم کرد آهنا (خالقی مطلق، ۱۳۶۶: ج ۱/۴۱) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، آهنا (کنش پذیر)	—	مثبت
۲	چو خود و زره کرد ... (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، خود (کنش پذیر)	واژگانی	مثبت
۳	زکتان ... قصب کرد و پرمايه دييا و خز (همان: ۴۲) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، قصب و دييا و خز (کنش پذیر)	واژگانی	مثبت
۴	بياموختشان رشتن و تافتن (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، رشتن و تافتن (کنش پذیر)	ارجاعی	مثبت
۵	ز هر پیشه انجمن کرد مرد (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، مرد... (کنش پذیر)	—	مثبت

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش‌گذاری
۶	بدین اندرون پنجهی نیز خورد (۴۲) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، پنجهی (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۷	جدا کردشان از میان گروه (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، شان (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۸	پرستنده را جایگه کرد کوه (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، پرستنده (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۹	بخورد و بورزید و بخشید چیز (همان: ۴۳) کنش خبری معلوم	کنش گر و کنش‌پذیر (محذوف)، چیز (کنش‌پذیر)	واژگانی	مثبت
۱۰	ز خارا گهر جست یک روزگار (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، گهر (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۱۱	همی کرد ازو روشنی خواستار (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، روشنی (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۲	همین رازها کرد نیز آشکار (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، رازها (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۳	به فر کیانی یک تخت ساخت (همان: ۴۴) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، یک تخت (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۱۴	چه مایه گوهر اندر نشاخت (همان) کنش خبری معلوم	گوهر (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۵	کمر بسته با فر شاهنشاهی (همان: ۴۱) توصیف خبری	فاعل (محذوف)، کمر بسته (متمم)	—	مثبت
۱۷	همی تافت از فر، شاه کیان (همان: ۴۴) توصیف خبری	شاه کیان (فاعل)، تافت (متمم)	—	مثبت
۱۸	نشسته جهاندار با فرهی (همان) توصیف خبری	جهاندار (فاعل)، نشسته (متمم)	—	مثبت
۱۹	سرشاه یزدان شناس ز یزدان بیچید (همان) توصیف خبری	شاه (فاعل)، بیچید (متمم)	—	منفی
۲۰	شد ناسپاس (همان) توصیف خبری	فاعل (محذوف)، ناسپاس (متمم)	—	منفی
۲۱	به جمشید بر تیره‌گون گشت روز (همان: ۴۵) توصیف خبری	روز جمشید (فاعل)، تیره‌گون (متمم)	واژگانی	منفی
۲۲	همی کاست آن فر گیتی‌فروز (همان) توصیف خبری	آن فر گیتی‌فروز (فاعل)، کاست (متمم)	ارجاعی	منفی
۲۳	چو جمشید را بخت شد کندرو (همان: ۵۱) توصیف خبری	بخت جمشید (فاعل)، کندرو (متمم)	ربط زمانی	منفی
۲۴	نهان گشت (همان) توصیف خبری	فاعل (محذوف)، نهان (متمم)	—	منفی

ضحاک

می‌کند. فراوانی کنش‌های منفی در فرایندهای مربوط به این کنش‌گر نشان از آن دارد که منش کلی شر منفی است و هدف او تباهی و فساد است. این کنش‌ها در ۱۷ فرایند، صفات و ویژگی‌های او را در نقش معنایی فاعلی ناپاک‌دین، بیدادگر، دیو و وارونه‌خو توصیف می‌کنند.

مُرب «آزی دهاک سه‌سر اوستایی» (رضی، ۱۳۴۶: ۲۵۶) که خشکسالی و شومی را در شخصیت دیو، بازنمایی می‌کند. بر این پایه که «اژدهای سه‌سر، نزد آریائی‌های هندواروپایی دیو طوفان نامیده شده است» (جایز، ۱۳۷۰: ۱۵۰). نام اژدهای سه‌سر بر ضحاک مهیب بودن شخصیت منفی او را نمایان

جدول ۸. فرایندهای مرتبط با ضحاک

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش‌گذاری
۱	مر آن اژدهافش بیامد چو باد (خالقی مطلق، ۱۳۶۶: ج ۵۱/۱) کنش خبری معلوم	آن اژدهافش (کنش‌گر)، فاقد کنش‌پذیر	ارجاعی	منفی
۲	به ایران زمین تاج بر سر نهاد (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، تاج (کنش‌پذیر)	—	منفی
۳	چو ضحاکش آورد... (همان: ۵۲) کنش خبری معلوم	ضحاک (کنش‌گر)، ش (کنش‌پذیر)	ارجاعی، ربط زمانی	منفی
۴	به آره‌ش سراسر به دو نیم کرد (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، ش (کنش‌پذیر)	ارجاعی	منفی
۵	بپروردشان از ره جادویی (همان: ۵۵) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، شان (کنش‌پذیر)	ارجاعی	منفی
۶	بیاموختشان کزی و بدخویی (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، شان (کنش‌پذیر)	ارجاعی، واژگانی	منفی
۷	بیامد از آن کینه چون پیل مست (همان: ۶۴) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، فاقد کنش‌پذیر	ارجاعی	منفی

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش گذاری
۸	مران گاو برمایه را کرد پست (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محدوف)، گاو (کنش پذیر)	ارجاعی	منفی
۹	جز آن هر چه دید اندرو چارپای / بیفگند و زیشان بپرداخت جای (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محدوف)، چارپای و جای (کنش پذیر)	ارجاعی	منفی
۱۰	به ایوان آتش اندر فگند (همان) کنش خبری مستقل و معلوم	کنش گر (محدوف)، ایوان (کنش پذیر)	—	منفی
۱۱	پپای اندر آورد کاخ بلند (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محدوف)، کاخ (کنش پذیر)	—	منفی
۱۲	ز بیراه مر کاخ را بام و در گرفت و به کین اندر آورد سر (همان: ۸۱) کنش خبری مرکب و معلوم	کنش گر (محدوف)، کاخ (کنش پذیر)	واژگانی	منفی
۱۳	بدآهن سراسر بیوشید تن (همان: ۸۲) کنش خبری معلوم	بدآهن (کنش گر)، تن (کنش پذیر)	—	منفی
۱۴	همان تیز خنجر کشید از نیام (همان) کنش خبری معلوم	کنش گر (محدوف)، خنجر (کنش پذیر)	ارجاعی	منفی
۱۵	جهانجوی را نام ضحاک بود/دلیر و سبکسار و ناپاک بود (همان: ۴۶) توصیف خبری معلوم	ضحاک (فاعل)، ناپاک (متمم)	—	منفی
۱۶	پدید آمد آن شاه ناپاک دین (همان: ۵۲) توصیف خبری	آن شاه ناپاک (فاعل)، پدید (متمم)	ارجاعی	منفی
۱۷	پس آیین ضحاک وارونه‌خوی... (همان: ۵۷) توصیف	ضحاک وارونه (فاعل)، چنان (متمم)	ربط زمانی	منفی

فریدون

دارد. کنش مثبت فریدون با یاری کاوه آهنگر برای رهایی جهان از بیداد ضحاک، او را پس از جمشید، بزرگترین شاه آرمانی گفتمان حماسی در شاهنامه می‌نمایاند؛ اما چون کشور را میان سه فرزند خود (تور، سلم و ایرج)، تقسیم می‌کند، نادانسته تخم حسد را میان آن‌ها پراکنده می‌کند و مرتکب گناه می‌شود. همین کنش منفی او را از اوج قدرت به زیر می‌آورد و مانند جمشید به شخصیت منفی تبدیل می‌کند. جزء نخست نام وی (Thri) به معنی عدد سه، سه‌گانگی تقسیم جهان میان سه فرزند را بازنمایی می‌کند.

فریدون مخفف آفریدون و مُعرب ثرائتُون (رستگارفسای، ۱۳۷۹: ۷۱۸) مشارکی است که در اوستا با صفات خورنه(فر) و ورثرغنه توصیف می‌شود. «ورثرغنه لقب آن دسته از قهرمانان حماسی نهاده می‌شود که از توانمندی ویژه برخوردارند، از جمله فریدون که بیش از دیگران شایسته این نام است (گرینباوم، بی تا: ۲). توانمندی فریدون در پیکار با نیروهای شر، مانند هویت جمشید، با شخصیت ایزد بهرام برابری می‌کند. در پیوند با همین سرشت اساطیری در شاهنامه نیز با صفاتی چون فرهمند، دادگر و فرزانه توصیف می‌گردد. او در ۱۸ فرایند در نقش کنش‌گری توانا حضور

جدول ۹. فرایندهای مرتبط با فریدون

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش گذاری
۱	ببالید بر سان سرو سهی (خالقی مطلق، ۱۳۶۶: ج ۱/۶۲) توصیف خبری	فاعل (محدوف)، ببالید (متمم)	—	مثبت
۲	همی تافت زو فر شاهنشهی (همان) توصیف خبری	زوفر شاهنشهی (فاعل)، تافت (متمم)	ارجاعی	مثبت
۳	جهانجوی با فر جمشید بود (همان) توصیف خبری	جهانجوی (فاعل)، با فر جمشید (متمم)	—	مثبت
۴	بکردار تابنده خورشید بود (همان) توصیف خبری	فاعل (محدوف)، بکردار تابنده خورشید (متمم)	—	مثبت
۵	می روشن و چهره شاه نو (همان: ۸۹) توصیف خبری	چهره شاه نو (فاعل)، روشن (متمم)	واژگانی	مثبت

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش‌گذاری
۶	پرستیدن مهرگان دین اوست (همان) توصیف خبری	دین او (فاعل)، پرستیدن مهرگان (متمم)	ارجاعی	مثبت
۷	تن‌آسانی و خوردن آیین اوست (همان) توصیف خبری	آیین او (فاعل) پرستیدن مهرگان (متمم)	ارجاعی، واژگانی	مثبت
۸	بیاراست آن را به دیبای روم (همان: ۷۰) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، آن را (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۹	فریدون ز بالا فرود آورد ... (همان: ۷۵) کنش خبری معلوم مرکب	فریدون (کنش‌گر)، آن (کنش‌پذیر)	ارجاعی، ربط‌علی	مثبت
۱۰	فروهشت ازو سرخ و زرد و بنفش (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، سرخ و زرد و بنفش (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۱	سرانشان به گرز گران کرد (همان) کنش خبری	سرانشان (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۲	نهاد از بر تخت ضحاک پای // به پیروزی و رای بگرفت جای (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، پای و جای (کنش‌پذیر)	ارجاعی، واژگانی	مثبت
۱۳	برون آورد از شیبستان اوی // بتان سیه‌موی خورشیدروی (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، بتان (کنش‌پذیر)	ارجاعی، واژگانی	مثبت
۱۵	بدان گرزۀ گاو سر دست برد (همان: ۸۰) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، گرزۀ گاو سر (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۶	بزد بر سرش ترگ بشکست خرد (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، بر سرش (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۷	ببستش به بندی دو دست و میان ... (همان: ۸۳) کنش خبری مرکب و معلوم	کنش‌گر (محذوف)، دو دست و میان (کنش‌پذیر)	ارجاعی، ربط‌علی	مثبت
۱۸	ز راه سزا پایگه ساختشان (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، شان (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۹	فریدون فرزانه بنواختشان (همان) کنش خبری معلوم	فریدون (کنش‌گر)، شان (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۲۰	بیاورد ضحاک را چون نوند (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، ضحاک (کنش‌پذیر)	_____	مثبت
۲۱	به کوه دماوند کردش به بند (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، ش (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۲۲	به روز خجسته سر مهر ماه // به سر بر نهاد آن کیانی کلاه (همان: ۸۹) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، آن کیانی کلاه (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۲۳	به سه بخش کرد آفریدون جهان (همان: ۱۰۷) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، جهان (کنش‌پذیر)	_____	منفی

افراسیاب

نبردهای خود با ایرانیان، آب را به روی آن‌ها می‌بندد، به دیو خشکی و بی‌آبی توصیف می‌شود. ۱۶ فرایند کنش و ۱۱ فرایند توصیف او را چون ضحاک، منفی‌ترین نماینده گفتمان حماسی در شاهنامه می‌نماید که در معنای نام او، یعنی کسی که به هراس می‌اندازد، انعکاس می‌یابد.

بازنمایی نام و عملکرد افراسیاب نشان از آن دارد که تمام ویژگی‌های سرشت اهریمنی ضحاک در هویتش حفظ شده است. بر پایه این شباهت، او نیز در شخصیت آپوش نمود می‌یابد. «آپوش دیو خشکی است که از ریزش باران جلوگیری می‌کند» (رضی، ۱۳۸۱: ۲۱۵) و افراسیاب که در طی

جدول ۱۰. فرایندهای مرتبط با افراسیاب

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش‌گذاری
۱	سپاه انجمن کرد (خالقی مطلق، ۱۳۶۶: ج ۳۰۶/۱) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، سپاه (کنش‌پذیر)	—	منفی
۲	همی گشت با نوذر لفراسیاب (همان) کنش خبری معلوم	افراسیاب (کنش‌گر)، نوذر (کنش‌پذیر)	—	منفی
۳	میان برادر بدو نیم کرد (همان: ۳۲۲) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، میان برادر (کنش‌پذیر)	—	منفی
۴	چن آمد ز خوار ری افراسیاب (همان: ۳۲۹) کنش	افراسیاب (کنش‌گر)، فاقد کنش‌پذیر	ربط‌زمانی	منفی
۵	یکی لشکری ساخت افراسیاب (همان: ۳۳۰) کنش خبری معلوم	افراسیاب (کنش‌گر)، لشکری (کنش‌پذیر)	—	منفی
۶	بیاورد لشکر سوی رود ری (همان: ۳۳۷) کنش خبری معلوم	افراسیاب (کنش‌گر)، لشکر (کنش‌پذیر)	—	منفی
۷	گشن لشکری ساخت افراسیاب (همان: ج ۸۰/۲) کنش خبری معلوم	افراسیاب (کنش‌گر)، لشکری (کنش‌پذیر)	—	منفی
۸	بر آویخت با لشکر تازیان (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، با لشکر تازیان (کنش‌پذیر)	—	منفی
۹	شکست آمد از ترک بر تازیان (همان) کنش خبری معلوم	ترک (کنش‌گر)، تازیان (کنش‌پذیر)	—	منفی
۱۰	سپهدار ترکان بدزدید یال (همان: ۱۱۴) کنش خبری معلوم	سپهدار ترکان (کنش‌گر)، یال (کنش‌پذیر)	—	منفی
۱۱	یکی نیزه سالار توران زمین/بزد بر بر رستم کینه‌خواه (همان: ۴۰۲) کنش خبری معلوم	سالار توران زمین (کنش‌گر)، رستم (کنش‌پذیر)	—	منفی
۱۲	همی سوخت از هر سوی گاه و رخت (همان: ۴۱۲) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، گاه و رخت (کنش‌پذیر)	واژگانی	منفی
۱۳	همی تاخت بر سان تیر از کمان (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، فاقد هدف	—	منفی
۱۴	بیاورد لشکر بدان رزمگاه (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، لشکر (کنش‌پذیر)	ارجاعی	منفی
۱۵	ابا لشکر نوذر افراسیاب/چو دریای جوشان بد و جوی آب (همان: ج ۳۰۶/۱) توصیف خبری	افراسیاب (فاعل)، دریای جوشان و جوی آب (متمم)	واژگانی	منفی
۱۶	سپهبد برآشفت چون پیل مست (همان: ۳۲۲) توصیف خبری	سپهبد (فاعل)، برآشفت (متمم)	—	منفی
۱۷	که آن ترک در جنگ نر اژدهاست (همان: ۳۴۷) ۳ توصیف خبری	آن ترک (فاعل)، نر اژدهاست، دم آهنج و ابر بلا (متمم)	ارجاعی	منفی
۱۸	برآشفت برسان جنگی پلنگ (همان: ج ۴۰۲/۲) توصیف خبری	فاعل (محذوف)، برآشفت (متمم)	—	منفی
۱۹	پر از غم روان من و دیو شاد (همان: ۴۲۸) توصیف خبری	دیو (فاعل)، شاد (متمم)	واژگانی	منفی
۲۰	جفا پیشه بد گوهر افراسیاب/ ز کینه نیابد شب آرام و خواب (همان: ج ۷/۴) توصیف خبری	جفا پیشه بد گوهر افراسیاب (فاعل)، آرام و خواب (متمم)	ربط علی	منفی
۲۱	دل شاه ترکان پر از خشم و جوش (همان: ۲۲) توصیف خبری	دل شاه ترکان (فاعل)، خشم و جوش (متمم)	واژگانی	منفی
۲۲	که بخت بدست اژدهای دژم (همان: ۱۵۶) توصیف	اژدهای دژم (فاعل)، بخت بد (متمم)	ربط علی	منفی
۲۳	برافروخت چون آتش افراسیاب (همان: ج ۳۴۷/۳) توصیف خبری	افراسیاب (فاعل)، برافروخت (متمم)	—	منفی

کی کاوس

آرزوی رفتن به آسمان در دلش راه می‌یابد؛ ولی در پی سقوط و جدایی فرّ شاهی از او، مانند جمشید و فریدون از اوج قدرت و ارزش‌های والای انسانی به زیر می‌آید و به شخصیتی منفی تبدیل می‌گردد. در گفتمان حماسی شاهنامه ۷ فرایند کنش و ۱۱ فرایند توصیف در بیان کنش‌های نسنجیده و صفات تندخویی، بی‌خردی و سبکسری‌های اوست.

کوی اوسن اوستا که به معنای آرزومند و توانا است (ر.ک. رضی، ۱۳۴۶: ۱۰۱۹) در شاهنامه به دو شکل کاوس و کی کاوس به‌کار می‌رود. «تکرار لقب کی در نام کی کاوس دویله بودن شخصیت او را منعکس می‌کند» (امیدسالار، ۱۳۸۱: ۸۶). در لایه اول نقش کنش‌گری مثبت را در ۱۱ فرایند ایفا می‌کند و در لایه دوم در نقش معنایی مشارکی منفی حضور می‌یابد. زیرا بر اثر تسلط دیو خشم

جدول ۱۱. فرایندهای مرتبط با کی کاوس

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش‌گذاری
۱	چو کاوس بگرفت گاه پدر (جلال خالقی مطلق، ۱۳۶۶: ج ۴/۲) کنش خبری معلوم	کاوس (کنش‌گر)، گاه (کنش‌پذیر)	ربط‌زمانی	مثبت
۲	بدان جایگه ساخت آرام و خواب (همان: ۱۳) کنش خبری معلوم	کنش‌پذیر (محذوف)، آرام و خواب (کنش‌پذیر)	ارجاعی، واژگانی	مثبت
۳	بیاراست کاوس خورشید فر/ به دیبای رومی یک مهد زر (همان: ۸۹) کنش خبری معلوم	کاوس (کنش‌گر)، یک مهد زر (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۵	جهانی به شادی نو افگند پی (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، جهانی (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۶	یکی جای کرد اندر البرز کوه (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، جای (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۷	بیاراست آخر به سنگ اندرون (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، آخر (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۸	دو خانه زابگینه ساخت (همان: ۹۴) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، دوخانه (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۹	زبرجد به هر جایش اندر نشاخت (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، زبرجد (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۱۰	درو ساخت جای خرام و خورش (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، جای خرام و خورش (کنش‌پذیر)	ارجاعی، واژگانی	مثبت
۱۱	یکی کاخ زرین ز بهر نشست / برآورد بالاش داده دو شست (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، کاخ (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۱۲	همی پروراندیشان سال و ماه (همان: ۹۶) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، شان (کنش‌پذیر)	ارجاعی، واژگانی	منفی
۱۳	ز عود قُماری یکی تخت کرد (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، تخت (کنش‌پذیر)	—	منفی
۱۴	سر تخته‌ها را به زر سخت کرد (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، سر تخته‌ها (کنش‌پذیر)	—	منفی
۱۵	به پهلوش بر نیزه‌های دراز/ بیست و بر آن گونه بر کرد ساز (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، نیزه‌های دراز (کنش‌پذیر)	ارجاعی	منفی
۱۶	بیاویخت بر نیزه ران بره (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، ران بره (کنش‌پذیر)	—	منفی
۱۷	وزانپس عقاب دلاور چهار// بیاورد، بر تخت بست استوار (همان: ۹۷) ۲ کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، عقاب دلاور چهار (کنش‌پذیر)	ارجاعی	منفی
۱۸	چو تاریک شد چشم کاوس شاه/ بد آمد ز کردار او بر سپاه (همان: ۱۵) ۲ توصیف خبری	چشم کاوس شاه و ز کردار او (فاعل)، تاریک و بد (متمم)	ربط‌زمانی	منفی
۱۹	کنون چشم شد تیره و خیره بخت (همان: ۱۷) توصیف خبری	چشم و بخت [کاوس] (فاعل)، تیره و خیره (متمم)	ربط زمانی، واژگانی	منفی
۲۰	نگونسار گشته سر تاج و تخت (همان) توصیف خبری	سرتاج و تخت [کاوس] (فاعل)، نگونسار	—	منفی

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش‌گذاری
		(متمم)		
۲۱	دل شاه از آن دیو بی راه شد (همان: ۹۶) توصیف	دل‌شاه (فاعل)، بی راه (متمم)	ارجاعی	منفی
۲۲	روانش ز اندیشه کوتاه شد (همان) توصیف خبری	روانش (فاعل)، ز اندیشه کوتاه شد (متمم)	ارجاعی	منفی
۲۳	پراندیشه شد جان آن پادشا (همان) توصیف خبری	جان آن پادشا (فاعل)، پراندیشه (متمم)	ارجاعی، ربط زمانی	منفی
۲۴	پشیمان بشد زان کجا گفته بود (همان: ۹۹) توصیف خبری	فاعل (محذوف)، پشیمان (متمم)	ارجاعی	منفی
۲۵	برافروخت برسان آتش ز نی (همان: ۱۰۰) توصیف خبری	فاعل (محذوف)، برافروخت (متمم)	—	منفی
۲۶	برآشف با گیو و با پیلتن (همان: ۱۴۶) توصیف خبری	فاعل (محذوف)، برآشف (متمم)	واژگانی	منفی
۲۷	به بیهودگی مغزش آشفته بود (همان: ۱۴۹) توصیف خبری	مغزش (فاعل)، آشفته (متمم)	ارجاعی	منفی

کی خسرو

کی خسرو مُعرب کوی هئوسروَه اوستا، با معنای پادشاه عادل و نیک‌نام و لقب دلیر و متحدکننده (ر.ک. رضی، ۱۳۸۱: ۱۷۵۱) آمده که صفات و ویژگی‌های او را در نقش معنایی مشارکی آرمانی و ارزش‌مند بازنمایی می‌کند. دلیری، نژادگی، هنروری، گوهرداری، دادگری و خردمندی از جمله صفات و امتیازاتی است که در ۸ فرایند مقام و شأن آرمانی وی را نشان می‌دهد. در ۲۶ فرایند نیز در نقش فرمانروایی کنش‌گر بازنمایی می‌شود. کی خسرو با شکست افراسیاب، مظهر نهایی قوای اهریمنی، مانند جمشید و فریدون، جهان را از آشوب و

آشفستگی رهایی می‌بخشد. بر پایه این شباهت، وی به لحاظ ایدئولوژیک همان جمشید و فریدون است، اما چیزی که مرز او را از آن‌ها جدا می‌کند و شأن و مقام بالاتری می‌بخشد، اخلاق زاهدانه و روحانی اوست. وی از بیم آن که مبادا قدرتش بر اثر کژاندیشی، اهریمنی گردد، در اوج ارزش‌ها از جهان مادی کناره می‌گیرد و به زهد و کوه‌نشینی رو می‌آورد. همین کنش عارفانه، مانع تبدیل شخصیت او می‌شود و وی را به‌عنوان برترین نماینده قدرت اهورایی گفتمان حماسی شاهنامه معرفی می‌کند.

جدول ۱۲. فرایندهای مرتبط با کی خسرو

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش‌گذاری
۱	چو شد هفت ساله... (خالقی مطلق، ۱۳۶۶: ج ۳۶۷/۲) توصیف خبری	گو سرفراز (فاعل)، هفت ساله (متمم)	ربط زمانی	مثبت
۲	کنون این جهانجوی فرزند اوست (همان: ۴۶۰) توصیف خبری	این جهانجوی (فاعل)، فرزند (متمم)	ارجاعی، ربط زمانی	مثبت
۳	گر از تور دارد ز مادر نژاد/ هم از تخم شاهی نییچد ز داد (همان) توصیف خبری مرکب	فاعل (محذوف)، نژاد، پیچد (متمم)	ربط شرطی	مثبت
۴	چو پیروز برگشت شیر از نبرد / دل و دیده دشمنان تیره کرد (همان: ۴۶۹) توصیف خبری مرکب	شیر (فاعل)، پیروز (متمم)	ربط زمانی، واژگانی	مثبت
۵	چو خسرو شاه بر گاه شد/ ز دادش جهان یکسر آگاه شد (همان: ج ۱۴/۳) توصیف خبری مرکب	خسرو (فاعل)، بر گاه (متمم)	ربط زمانی	مثبت
۶	سپردند یکسر به گیو دلیر/ بدانگه که خسرو شد از جنگ سیر (همان: ج ۳۵۲/۴) توصیف خبری	خسرو (فاعل)، از جنگ سیر (متمم)	ربط زمانی	مثبت
۷	ز چشم مهان شاه شد ناپدید (همان: ۳۶۷) توصیف خبری	شاه (فاعل)، ناپدید (متمم)	—	مثبت
۸	ز چوبی کمان کرد و از روده زه/ ز هر سو برافگند زه را گره (همان: ج ۳۶۹/۲) کنش خبری معلوم	کنش گر (محذوف)، کمان، زه (کنش‌پذیر)	واژگانی	مثبت

ردیف	فرایند	مشارکان	انسجام	ارزش‌گذاری
۹	ابی پرّ و پیکان یکی تیر کرد (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، یکی تیر (کنش‌پذیر)	واژگانی	مثبت
۱۰	به هر جای ویرانی آباد کرد/دل غمگنان از غم آزاد کرد (همان: ج ۴/۳) ۲ کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، ویرانی و دل غمگنان (کنش‌پذیر)	واژگانی	مثبت
۱۱	ز داد و ز بخشش نیامدش رنج (همان: ۷) توصیف خبری ساده	ش (فاعل)، رنج (متمم)	واژگانی، ارجاعی	مثبت
۱۲	درم داد و آباد کردش ز گنج (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، درم (کنش‌پذیر)	واژگانی	مثبت
۱۳	سپه را درم دادن آغاز کرد (همان: ۱۴۸) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، سپه را درم دادن (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۱۴	به دشت آمد و رزم را ساز کرد (همان: ج ۱۴۸/۴) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، (فاقدهدف)	واژگانی	مثبت
۱۵	گرفتش به چپ گردن و راست ران / برآورد و زد بر زمین ناگهان (همان: ۲۱۴) ۳ کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، ش (کنش‌پذیر)	واژگانی، ارجاعی	مثبت
۱۶	یکی تیغ تیز از میان برکشید (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، تیغ (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۱۷	سراسر دل نامور بردرید (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، دل نامور (کنش‌پذیر)	واژگانی	مثبت
۱۸	برو کرد جوشن همه چاک‌چاک (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، جوشن او (کنش‌پذیر)	واژگانی	مثبت
۱۹	همی بخش کرد آنج بُد بر سپاه / سراپرده و خیمه و تخت و گاه (همان: ۲۲۹) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، آنج بُد (کنش‌پذیر)	واژگانی، ارجاعی	مثبت
۲۰	به رستم دو صد بدره دینار داد (همان: ۳۰۵) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، دو صد بدره دینار (کنش‌پذیر)	واژگانی	مثبت
۲۱	همان گیو را بسیار چیز داد (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، بسیار چیز (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۲۲	به گسته‌م نودر سپرد آن زمین (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، آن زمین (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۲۳	بی‌اندازه لشکر به گسته‌م داد (همان: ۳۰۶) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، بی‌اندازه لشکر (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۲۴	درم داد و دینار و هر گونه چیز (همان: ۳۰۸) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، درم و دینار و هر گونه چیز (کنش‌پذیر)	واژگانی	مثبت
۲۵	به شمشیر هندی بزد گردنش (همان: ۳۲۲) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، گردنش (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۲۶	به خاک اندر افگند نازک تنش (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، نازک تنش (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۲۷	میان سپه‌بد به دو نیم کرد (همان: ۳۲۳) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، میان سپه‌بد (کنش‌پذیر)	—	مثبت
۲۸	بر آن موبدان خلعت افگند نیز (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، خلعت (کنش‌پذیر)	ارجاعی	مثبت
۲۹	فریبرز کاوس را داد شاه/ همان جوشن و ترگ و زرین کلاه (همان: ۳۵۲) کنش خبری معلوم	شاه (کنش‌گر)، جوشن و ترگ و زرین کلاه (کنش‌پذیر)	واژگانی	مثبت
۳۰	همه باغ و گلشن به گودرز داد (همان) کنش خبری معلوم	کنش‌گر (محذوف)، همه باغ و گلشن (کنش‌پذیر)	واژگانی	مثبت

ارزش‌گذاری مثبت و منفی بازنمایی می‌شود. این مشخصه‌ها، علاوه بر این که ساختار تجربه‌گفتمانی گوینده را در نام‌دهی شخصیت‌ها، نشان می‌دهند، نقش رابطه‌ای و بیانی زبان را

چنان که در جدول‌ها مشخص شده، گفتمان حماسی شاهنامه مطابق با الگوی تحلیلی فرکلاف، در دو فرایند توصیف و کنش با ساخت جملات خبری معلوم و دو نوع

به ارزشیابی عملکرد شخصیت‌ها بر مبنای خصلت و ویژگی‌های راویان داستان می‌پردازد. این شیوه‌بازنمایی گفتمان ضمن این که ساختار تعاملی متن و ارتباط اجتماعی گوینده با مخاطب را می‌سازد، به لحاظ بازنمایی ایدئولوژیک یک گروه‌بندی قومی خاص نیز، نشان‌دار و قابل توجه می‌باشد. چرا که «لحن خاص، تکیه یا حجم به کار گرفته شده در بیان یک واژه یا عبارت می‌تواند به عنوان گرایش نژادپرستانه یا جنسیت‌گرایانه تعبیر شود» (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۷) و زمینه‌نژادی مشترک گفتمان مستقیم با گفتمان غیرمستقیم را به صورت ضمنی بازنمایی کند. همچنان که درباره‌دهقانان شاهنامه گفته می‌شود:

«اینان آگاه‌مردانی هستند که هم سنت‌های جوانمردی را پاسداری می‌کنند و هم عشق و علاقه به ایران و فرهنگ ملی در وجودشان شعله‌ور است. این آزادمردان اداره امور محلی و نگهداری از مرزها را عهده‌دار بوده و صاحبان رای و تدبیر به شمار می‌آمده‌اند. فردوسی خود از دهقانان است و حکومت آرمانی مورد نظر او، شهریارى مبتنى بر اخلاق سنتى و متكى بر خصلت‌های جوانمردى است ... در جای‌جای شاهنامه یگانگی یا ارتباط تنگاتنگ این دهقانان با موبدان و پهلوان به چشم می‌خورد» (راشد محصل، ۱۳۸۳: ۴۹-۴۷).

همچنین، ساختار موازی جمله‌های خبری، فرانتش متنی زبان را در انسجام دادن به متن بازنمایی می‌کند. چنان که در جدول‌ها مشاهده می‌شود، در هر فرایند کنش، دو مشارک کنش‌گر و کنش‌پذیر و در فرایندهای توصیف دو مشارک فاعل و متمم وجود دارد که در غالب موارد کنش‌گر و فاعل به قرینه جمله قبل، جهت اجتناب از حشو و تکرار حذف شده‌اند. در این صورت با مبتداسازی و قرار دادن کنش و کنش‌پذیر در ابتدای جمله، گزاره‌ها به لحاظ اطلاعاتی برجسته‌تر از کنش‌گر بازنمایی می‌شوند. ضمائر سوم شخص «ش» و «او» که دربردارنده مفهوم ارجاع‌اند، منسجم‌ترین عامل ربط گزاره‌ها محسوب می‌شوند؛ و از آن‌جا که مرجع آن‌ها هویت‌های معین‌اند، یعنی با ارجاع به جملات پیشین برای مخاطب شناخته‌شده یا کهنه‌اند، به دانش زمینه‌ای ایدئولوژیک (اطلاعات قبلی) مربوط می‌شوند. پیوندهای واژگانی، به لحاظ کمیت، دومین عنصر انسجام‌دهنده گزاره‌های خبری محسوب می‌شوند؛ اما کلمات ربط، وضوح کمتری نسبت به عنصر ارجاع و پیوندهای واژگانی دارند. حرف ربط زمانی بیشترین بسامد و حرف ربط شرط کمترین

نیز در شکل‌دهی به ژانرگفتمان حماسی و وجهیت بیانی گوینده در صدق و نفی گزارش‌های خبری می‌نمایند؛ با اشاره به این که «ژانر حماسی نمونه‌تک‌گویی است، چرا که نویسنده قدرت آن را دارد که دیدگاه خود از حقیقت را مستقیماً ابلاغ کند» (مکاریک، ۱۳۸۳: ۹۹) و شیوه‌تک‌گویی به سه شکل درونی، نمایشی و حدیث نفس (خودگویی) به کار می‌رود. تک‌گویی درونی یکی از شیوه‌های ارائه جریان سیال ذهن است که به بیان اندیشه هنگام بروز آن در ذهن قبل از شکل‌گیری آن گفته می‌شود. در این شیوه روایت، اساس بر مفاهیمی است که ایجاد تداعی معانی می‌کند و خواننده به طور غیرمستقیم در جریان افکار شخصیت داستان و واکنش‌های او نسبت به محیط اطرافش قرار می‌گیرد (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۵۳۴-۵۳۵).

روایت غیرمستقیم در تک‌گویی درونی وقتی است که داستان از زاویه دید دانای کل در مقام سوم شخص روایت می‌شود و نویسنده در طول داستان هر جا که نیاز باشد، ظاهر می‌شود و صحنه‌پردازی می‌کند و ذهنیت خود را غیرمستقیم به شیوه سوم شخص ارائه می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۵۳۶). فرکلاف این سبک روایت و نحوه ارتباط با مخاطب را شیوه بدون علامت یا نقل قول آزاد غیرمستقیم می‌نامد و آن را در مواردی به کار می‌برد که گفتمان غیرمستقیم^۱ بدون هیچ نشانه‌ای و به صورت مستقل در بین گفتمان مستقیم ظاهر شود؛ و یا این که در جریان روایت با آن ادغام و انتشارشود؛ یعنی از یک جهت درگفتمان مستقیم ادغام و از جهت دیگر بر آن غالب و تأثیرگذار شود. این نوع سازماندهی، باعث می‌شود گفتمان مستقیم، به لحاظ وجهیت بیانی، منبع اقتدار و ارزشیابی به نظر برسد (ر.ک. فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷۳-۸۰).

مطابق این دیدگاه، گفتمان اساطیری شاهنامه را می‌توان ترکیبی از گفتمان غیرمستقیم و مستقیم دانست که شیوه نقل قول آزاد غیرمستقیم را از زبان «دهقانان» بازنمایی می‌کند. فردوسی هر چند در بیشتر موارد به نقل داستان‌ها اشاره می‌کند اما در جریان روایات، گفتمان ثانویه و اولیه در هم ادغام می‌شوند و زمینه‌نژادی مشترکی را طراحی می‌کند؛ به این شکل که در پایان داستان، در مقام اول شخص ظاهر و

۱. فرکلاف، نقل قول غیرمستقیم را گفتمان ثانویه یا گفتمان بازنموده شده می‌نامد و نقل قول مستقیم را گفتمان اولیه یا گفتمان بازنمایاننده معرفی می‌کند (ر.ک. فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷۵).

کمیت را در انسجام گزاره‌ها دارند. انسجام علی هم در پاره‌ای از موارد قابل ذکر است.

جدول ۱۳. ارزش‌های مشخصه‌های دستوری

ویژگی‌های دستوری	ارزش‌ها
گزینش نام‌ها و فرایندها	تجربی
وجه خبری معلوم	رابطه‌ای
ارزیابی مثبت و منفی فرایندها	وجهیت بیانی
انسجام ارجاعی، واژگانی و ربطی	پیوندی
ژانر تک‌گویی	تعامل اجتماعی

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی پرسش‌های طرح نظری فرکلاف، در متن داستان‌های اساطیری به این آگاهی زبانی دست می‌یابیم که متن طرحی منسجم، همگون و طبقه‌بندی دارد و با اطلاعات قبلی گوینده در تعامل است. واژگان ایدئولوژیک دوره‌های سه‌گانه از طرح طبقه‌بندی سال بزرگ کیهانی، به لحاظ کارکرد و کمیت متفاوت‌اند. مطابق جدول شماره ۲، واژگان دوره اول، جهان‌بینی و برداشت گوینده را درباره نخستین انسان و نقش او در سازندگی تمدن بیان می‌کنند؛ واژگان دوره دوم در قطب متضاد دوره اول قرار گرفته‌اند. به این معنا که گوینده با انتخاب واژگان منفی دیدگاه خود را درباره ارزیابی شخصیت‌ها نشان می‌دهد. دوره سوم ترکیبی از دوره‌های قبل است؛ یعنی واژگان مثبت و منفی دوره اول و دوم با هم آمیخته شده و روابط اجتماعی هویت‌ها را به تصویر می‌کشند.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۱). توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی. پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ۲، ۱۹-۱.
- امیدسالار، محمود (۱۳۸۱). جستارهای شاهنامه‌شناسی. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- بهار، مهرداد (۱۳۶۲). پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگاه.
- بهمنی، شهرزاد (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل نمادهای بخش اساطیری شاهنامه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه ایلام.
- جابر، گروتد (۱۳۷۰). سبیل‌ها- کتاب اول جانوران. ترجمه محمدرضا بقاپور. تهران: مترجم.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۶۹). شاهنامه ابوالقاسم فردوسی. ج ۱. کالیفرنیا: مزدا.
- _____ (۱۳۶۹). شاهنامه ابوالقاسم فردوسی. ج ۲. کالیفرنیا: مزدا.
- _____ (۱۳۶۹). شاهنامه ابوالقاسم فردوسی. ج ۳. کالیفرنیا: مزدا.
- _____ (۱۳۶۹). شاهنامه ابوالقاسم فردوسی. ج ۴. کالیفرنیا: مزدا.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۸). زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی. تهران: سخن.
- راشدمحصل، محمدرضا (۱۳۸۳). جایگاه پهلوان و دهقانان در شاهنامه. مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۲ (۳)، ۵۰-۳۹.
- رستگارفسائی، منصور (۱۳۶۹). بیست و یک گفتار درباره فردوسی و شاهنامه. شیراز: نوید.

نتایج فراوانی مربوط به روابط معنایی واژگان مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که دوره سوم از طرح طبقه‌بندی واژگان متن، به لحاظ کمیت بالای روابط معنایی و فراوانی کلمات متضادکانون تکرار بن‌مایه ایدئولوژیک متن قرار گرفته است. همچنین نتایج مشخصه‌های دستوری مندرج در فرایندهای هر یک از شخصیت‌ها که در جدول ۴ آمده است، مبین این است که گزینش نام شخصیت‌ها بر ایدئولوژی خاص بن‌مایه اساطیری مبتنی‌اند و عملکرد هویت‌ها را بازنمایی می‌کنند. فرایندهای کنش و توصیف با جملات خبری معلوم و ارزش‌گذاری مثبت و منفی، ساخت‌مندی همگون و ژانر حماسی را نشان می‌دهند. شیوه تک‌گویی یا نقل قول آزاد غیرمستقیم، علاوه بر این که اقتدار یا وجهیت بیانی گوینده را در صدق ارائه اطلاعات نشان می‌دهد، مبین رابطه نژادی گوینده با دهقانان است. از آن جا که حکومت آرمانی مورد نظر دهقانان، پادشاهی مبتنی بر اخلاق سنتی و متکی بر خصلت‌های جوانمردی است، فردوسی نیز در ارزش‌گذاری شخصیت‌ها ویژگی‌های شاه آرمانی را معیار سنجش قرار داده است. بر این اساس، صفاتی چون دلیری، نژادگی، هنروری، گوهرداری، دادگری، خردمندی، قناعت و... شخصیت‌ها را در نقش معنایی مشارکی آرمانی و ارزش‌مند بازنمایی نموده و صفاتی مانند کژی، بدخوبی، بیداد، کبر، حرص و زیادخواهی شاهان آرمانی را از اوج ارزش‌ها پایین می‌آورد و به شخصیت منفی تبدیل می‌کند. بر مبنای همین اعتقادات است که فردوسی کیخسرو را بزرگترین شاه آرمانی می‌داند که در اوج قدرت دچار کژاندیشی نمی‌شود.

- رضی، هاشم (۱۳۴۶). فرهنگ نام‌های اوستا. جلد ۱. تهران: فروهر.
- _____ (۱۳۸۱). دانشنامه ایران باستان. جلد ۱. تهران: سخن.
- سرکاراتی، بهمین (۱۳۵۷). بنیان اساطیری حماسه ملی ایران. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۱۲۵-۶۵.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان. تهران: نی.
- صفوی، کورش (۱۳۸۳). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: سوره مهر.
- فالر، راجر (۱۳۸۱). زبان‌شناسی و نقد ادبی. ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده. تهران: نی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۰). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قائمی، فرزاد (۱۳۹۱). تحلیل اسطوره کیومرث در شاهنامه فردوسی بر مبنای رویکرد نقد اسطوره‌شناختی. جستارهای ادبی، ۱۷۶، ۶۵-۳۷.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۴۵). مزدآپرستی در ایران قدیم. ترجمه ذبیح الله صفا، تهران: دانشگاه تهران. ص ۱۰۵.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۳). نامه باستان. ج ۱. تهران: سمت.
- گرینباوم، اس. (بی‌تا). اسطوره اژدهاکشی در هند و ایران. مجله فرهنگ، سال دوم، شماره ۲، ۳، صص ۱-۳.
- مکاریک، ریما ایرنا (۱۳۸۳). نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
- مهاجر، مهران و نبوی، محمد (۱۳۸۶). به سوی زبان‌شناسی شعر. تهران: آگه.
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۴). عناصر داستان، تهران: سخن.
- وردانک، پیتر (۱۳۸۹). میانی سبک‌شناسی. ترجمه محمد غفاری. تهران: نی.
- هلیدی، مایکل و حسن، رقیه (۱۳۹۳). زبان، بافت و متن. ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی. تهران: علمی.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۵). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. تهران: هرمس.
- _____ (بی‌تا). شیوه‌ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه‌های فکری-اجتماعی. نامه فرهنگ، ۴۲، ۱۷۳-۱۸۱.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.

Fairclough, N. (2001). Language and power (2nd ed.). London: Pearson Education Limited.

Haliday, M.A.K., & Matthiessen, C. (2004). An introduction to functional grammar

(3rd ed.). London: Hodder Arnold.

Haliday, M.A.K., & Hassan, R. (1976). Cohesion in English. London: Longman Group Limited.